

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در  
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

خدمات ساسانیان به زبان فارسی

موسی محمودزهی

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه ولایت، ایرانشهر

[M.mahmoudzehi@velayat.ac.ir](mailto:M.mahmoudzehi@velayat.ac.ir)

چکیده

پس از انقراض سلسلهٔ هخامنشی، در حکومت‌های سلوکی و اشکانی زبان فارسی آنچنان که باید مورد توجه قرار نگرفت و حتی رو به ضعف نهاد. با روی کار آمدن دولت ساسانی، توجه ویژه‌ای به زبان فارسی معطوف شد. این مقاله با روشی تحلیلی- توصیفی خدمات دولت ساسانی را به زبان فارسی مورد بررسی قرار می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد که توجه ویژهٔ ساسانیان به زبان فارسی، یکی از مؤلفه‌های مهم «آرمان ایرانشهری» آنها بود که این مؤلفه از آرمان آنها به درستی محقق شد و آثار آن بر زبان فارسی تا قرن‌ها پس از حکومت ساسانی همچنان مشهود بود.

کلیدواژه‌ها: زبان فارسی، دولت ساسانی، فارسی میانه، اعتبار زبانی، آرمان ایرانشهری

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

## ۱. مقدمه

زبان فارسی معروفترین زبان ایرانی است که از هر سه دوره تاریخی زبانهای ایرانی - باستان، میانه و نو - مستندات قابل اتکا دارد. شالوده اعتبار این زبان در دوره حکمرانی هخامنشیان شکل گرفت. با تشکیل دولت هخامنشی در پارس، زبان فارسی که عاملی برای وحدت بخشی ایرانیان بود، جایگاهی ویژه در میان زبانهای ایرانی پیدا کرد. این اقدام هخامنشیان سرآغاز یک «آرمان ایرانشهری»<sup>۱</sup> شد، اما این آرمان در دوره هخامنشیان به کمال نرسید. با رویکرد هلنیستی جانشینان اسکندر و بی توجهی شاهان اشکانی به زبان فارسی، فارسی از جایگاهی که در دوره هخامنشی داشت، تا حدی تنزل یافت. با این وصف فارسی باستان کم کم به فارسی میانه تبدیل شد و به هویت و ماندگاری خود ادامه داد. غالباً حدس زده می شود که در این زمان، زبان فارسی تقریباً جای خود را به عنوان زبان میانجی و به نحوی زبان مشترک بسیاری از سخن گویان ایرانی زبان کاملاً باز کرده بود و از پشتیبانی مردمی قابل توجهی برخوردار بود.

ساسانیان که جانشین اشکانیان شدند، به «آرمان ایرانشهری» توجه ویژه ای نشان دادند که آن خود منشأ خدمات فراوانی برای تحقق این آرمان شد. یکی از خدمات قابل توجه دولت ساسانی در اعتبار بخشی به زبان فارسی متجلی شد که زبان فارسی به نحوی زبان ملی، رسمی و معیار ایران گردید. این آرمان با تلاش بنیانگذار این سلسله، اردشیر بابکان، آغاز شد و با تلاش نهایی خسرو انوشیروان جامعه عمل پوشید. در راستای این رویکرد، ایرج دریایی می گوید: "تحت حاکمیت خسرو اول بود که ایدئولوژی شاهنشاهی ساسانی و میراث آن کامل و شکل گرفت. این امر عمده‌تاً از طریق پیاده سازی یک دیدگاه دنیای کهن ایران که ریشه در کتاب مقدس اوستا داشت، یعنی مفهوم ایرانشهر یا «شاهنشاهی ایرانیان» در مرکز بین النهرین یا همان استان ساسانی سورستان انجام شد. این چشم انداز از ایرانشهر نوآوری ساسانیان بود که در امپراتوری هخامنشیان و اشکانیان وجود نداشت" (۱۳۹۷ : ۱۱۶). در تکمیل سخن دریایی و تأکید بر نقش ساسانیان در به ثمر رساندن آرمان ایرانشهری، سامی می گوید: "ساسانیان علاوه بر آنکه شکوه و عظمت و وسعت دیرین ایران را در دنباله کوششهای پانصد ساله سلاطین پارت به دست آوردند، در احیای دین قدیم ایران و آداب و رسوم ملی، بسط علم، احداث شهرها و معابد، تأسیس دانشکده‌ها و مراکز علمی و دینی کوشیدند و تا حد امکان و شرایط زمان برای پیشرفت صنعت و تجارت، حجاری و شهرسازی و ساختمان قصرها و معابد و جاده و پل، تشویق صنایع ظریفه، ازدیاد فراورده‌های داخلی، در دست داشتن فروش صادرات چین و هند به سایر کشورهای غربی و حمایت از ارباب حرف و صنایع کوشش کردند" (۱۳۹۳ : ۱۰). وی از قول پوپ نیز می گوید: "سلسله کاملاً ایرانی ساسانیان بنیانگذار رستاخیز فرهنگی عظیمی بود که بر دین و آداب ملی تکیه داشت" (همانجا).

<sup>۱</sup> - عبارت «آرمان ایرانشهری» بدین معنی است که بعضی از حاکمان ایران اعتقاد داشتند که سرزمین آنها دارای قابلیت‌های زبانی، فرهنگی، تمدنی، و ... خاص خود است که این قابلیت‌ها در مقابل قابلیت‌های ملل دیگر باید به ظهور برسد و ایران را در میان دیگر سرزمین‌ها برجسته نشان دهند.

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

در بحث آرمان ایرانشهری قابل توجه است که در زمان بعضی از شاهان دوره ساسانی بحث «ایران و آنیران: ایران و غیرایرانی» مطرح شد. بعضی شاهان مانند شاپور اول و تعدادی از جانشینان وی لقب «شاه ایران و آنیران» را برای خود به کار گرفتند.

یکی از اقدامات بزرگ دولت ساسانی آن بود که زبان فارسی میانه را زبان رسمی اعلام کرد و در جهت اعتباربخشی آن چنان مستنداتی برجای گذاشت که امروز بخشی از مستندات زبان فارسی میانه به «فارسی میانه ساسانی» معروف است که البته بیشترین مستندات به این زبان را نیز در برمی گیرد. با طولانی شدن دوره حکومتی ساسانی (در حدود ۴۳۰ سال)، و برخورد زبان‌های دیگر با فارسی و اتفاقات فرازبانی گوناگون در این دوره طولانی حکمرانی، زمینه بروز گویشهایی در این زبان پدید آمد که از میان آنها دو گویش مهم «پهلوی ساسانی» و «فارسی دری» معروفتر است.

**۱-۱- پرسش تحقیق:** مقاله در پی پاسخ به این پرسش است که دولت ساسانی برای تقویت و اعتباربخشی زبان فارسی چه اقداماتی انجام داد و محرک اصلی آن برای این اقدامات چه بود؟

**۱-۲- اهمیت تحقیق:** بیشترین آثار بازمانده از فارسی میانه مربوط به دوره ساسانیان است. چنانکه گاه فارسی میانه را پهلوی یا «پهلوی ساسانی» هم می‌نامند. (باغبیدی، ۱۳۸۸: ۱۳۴). در واقع می‌توان گفت که فارسی میانه حلقه رابط بین زبانهای فارسی باستان و فارسی نو است زیرا حجم قابل توجهی از ادبیات ایران بدان نوشته شده و مطالب فراوانی بدان زبان ترجمه شده است. به همین دلیل در مطالعات تاریخی زبانهای ایرانی و به خصوص فارسی دری، از اهمیت بسزایی برخوردار است.

**۱-۳- روش کار:** در این تحقیق ابتدا داده‌ها از طریق مطالب کتابخانه‌ای گردآوری می‌شوند. سپس داده‌های گردآوری شده با روشی تحلیلی- توصیفی برای پاسخ به پرسش مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرند.

## ۲. بحث

با پشتیبانی‌هایی که از هر زبان از سوی نهادهای مختلف انجام می‌پذیرد، آن زبان «اعتبار اجتماعی» به دست می‌آورد. به خصوص اگر زبانها از پشتیبانی نهاد حکومت در هر کشور برخوردار شوند، بیشتر اعتبار می‌یابند و در برابر

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

زبانهای دیگر قدرتمند می‌شوند. در واقع بین زبان و قدرت رابطه مستقیمی وجود دارد. مایکل پیرس (2007) زیر مدخل «Linguistic Prestige: اعتبار زبانی» می‌گوید: اعتبار زبانی با قدرت رابطه مستقیمی دارد. در واقع، در ذات زبان چیزی وجود ندارد که نشان ارزش آن باشد، بلکه ارزش آن در ارتباط با قدرتی است که یک زبان خاص به آن منتسب است.

فارسی دوره ساسانیان بیشتر با نام «فارسی میانه» معروف است، هر چند که در اواخر دوره ساسانیان نمودهایی از تغییرات فارسی میانه به فارسی دری نیز به چشم می‌خورد. تبدیل فارسی باستان به فارسی میانه در اواخر دوره هخامنشی آغاز شده بود. در فاصله انقراض پادشاهی هخامنشی تا روی کار آمدن پادشاهی ساسانی، زبان فارسی در کنار زبانهای یونانی، آرامی، ترکی، و پارسی رواج داشت و گاهی در معارضه با آنها قرار می‌گرفت. به هر ترتیب، زبان فارسی در برخورد و معارضه با این زبانها و دیگر زبانهای محلی تاب آورد و به سلسله ساسانی سپرده شد (محمودزهی، ۱۴۰۱: ۱۱).

دولت ساسانی از همان آغاز احساس کرد که برای پیشبرد اهدافش به دو عامل مهم «دین و زبان ایرانی» در کنار بسیاری از عوامل دیگر برای وحدت بخشی اقوام ایرانی جهت تشکیل دولتی قدرتمند نیاز دارد. با آنکه در زمینه دینی چالشهایی برای دین ایرانی (= دین زردشتی) ایجاد شد و مخصوصاً با انقراض سلسله ساسانی این دین بسیار ضعیف شد، اما در جهت تقویت و اعتبار بخشی به زبان فارسی و استفاده از ظرفیت زبان فارسی، دولت ساسانی سنگ تمام گذاشت. در این دوره، زبان فارسی میانه موقعیت ممتازی به دست آورد. در این خصوص رضایی باغ بیدی می‌گوید: زبان فارسی میانه در دوره ساسانی به زبان رسمی شاهنشاهی بدل شد و در زمینه‌های مختلف کاربرد گسترده یافت (۱۳۸۸: ۱۳۵). در زمان ساسانیان، زبان فارسی یکی از عوامل ارتباط عمومی مردم در ایالت‌های تحت حکمرانی آنها شد. ساسانیان ساختاری را ایجاد کردند تا استانهای مختلف را از نظر زبانی با هم مرتبط کنند. تلاش آنها بر آن بود که برای هر ایالت فرمانداری فارسی زبان بگمارند که محور ارتباط پارسی‌زبانان با غیرپارسی‌زبانان و بومیان دوزبانه یا چندزبانه باشد. در دربار ساسانی دستگاهی از حکومت شاهزادگان، دبیران، روحانیان و دیگر مناصب وجود داشت که همه به نحوی به تقویت و اعتبار بخشی زبان فارسی کمک کردند.

اهمیت توجه به زبان فارسی آنگاه مشخص می‌شود که بدانیم در دوره ساسانی، در کنار فارسی میانه، زبانها و گویشهای دیگری در ایالت‌های مختلف رایج بود، اما هیچ کدام به اندازه فارسی مورد توجه دولت ساسانی قرار نگرفت. بعضی از این زبانها به شرح زیر برشمرده می‌شوند: زبان مادی، دیلمی (= مازندرانی و طبری)، گیلانی، سامی

<sup>2</sup>- Michael Pearce

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

میانرودان، آسوری، گرجی، ارمنی، آلبانی، سکایی، خوزی، عربی، زط، ملایی، آرامی، سغدی، بلخی، خوارزمی، پارتی، سیستانی، کُردی، لُری، کرمانی، بلوچی، رومی - بیزانسی، لاتین، آسوری، یونانی، اسلاوی، گوتی، ژرمن، ترکی. وجود مستندات چندزبانۀ دینی، حکومتی، علمی و فلسفی به خصوص در اوایل دورۀ ساسانی نشان از اهمیت زبانهای متفاوت در قلمرو این شاهنشاهی و برخورد زبان فارسی میانه با این زبانها دارد. به عبارت دیگر، فارسی میانه در معارضۀ سختی با دیگر زبانهای پررواج و قدرتمند آن زمان مانند پارتی، یونانی و ترکی قرار گرفت. اما در این گیرودار قدرت گرفتن و رسمیت یافتن زبان فارسی باعث شد که زبانهای دیگر نتوانند در مقابل آن عرض اندام کنند؛ چنانکه یونانی در ایران از اعتبار افتاد و پارتی جای خود را عملاً به فارسی میانه داد. در واقع می توان گفت با اینکه یک تکثر زبانی به معنی واقعی در این امپراتوری رواج داشت، اما ویژه ترین توجه به زبان فارسی معطوف بود.

در اینجا خواهیم دید که دولت ساسانی چگونه به زبان فارسی خدمت کرد و نتایج آن برای زبان فارسی چه بود.

## ۱-۲- خدمات دولت ساسانی به زبان فارسی

بخشی از شاهنامه فردوسی حاکی از رویدادهای تاریخی است. هر چند این روایات از جنبۀ تاریخی به قدر کافی اعتبار علمی ندارند، اما می توانند جلوه ای از رویدادهای تاریخی مرتبط با آنچه در شاهنامه آمده است، باشند و خالی از فایده نباشند. عنایت الله رضا اظهار می دارد که در شاهنامه، نمود خدمات دولت ساسانی بسیار واضح است. اردشیر از سال ۲۰۸ میلادی حکومت ساسانی را بنیاد نهاد و تا مرگ یزدگرد سوم حدود ۴۳۴ سال (تا ۶۶۱ میلادی) این سلسله حکومت داشت. طی این مدت ۲۶ پادشاه بر ایران فرمان راندند. فردوسی به خاطر اهمیت خدمات دولت ساسانی به ایران، ۱۸۴۰۱ بیت از شاهنامه را به دوران پادشاهی ساسانیان اختصاص داده است (بی تا: ۷۶۲).

دولت ساسانی خدمات فرهنگی - تمدنی چشمگیری انجام داد. از آن جمله است: ضرب سکه ها؛ نقش برجسته ها در بیشاپور، نقش رستم، نقش رجب؛ کاخ تیسفون (= طاق کسری که بازمانده هایش هنوز وجود دارد)؛ ساختمان آتشکده های مختلف با معماری مختلف؛ نوشتن و ترجمۀ کتابهای مختلف؛ ایجاد دانشگاه گندی شاپور؛ نوشتن کتیبه های پارسی و پارتی و یونانی؛ شهرسازی در جاهای مختلف مانند شهر گور (= فیروزآباد) و وه اردشیر؛ خدمات مذهبی بزرگ بیشتر به نفع دین زردشتی به کمک سه موبد نامی به نامهای تنسر، کرتیر و آذرباد مارسپندان؛ جنگ و مبارزه با دول خارجی مخصوصاً دولت روم؛ ساماندهی دو نهضت تقریباً مذهبی - اجتماعی توسط مانی و مزدک؛ ساماندهی امور بعضی از خاندان های معروف مانند وراز، کارن، سورن، ... که بازمانده دوره پارتی بودند؛ مطرح کردن آرمان ایرانی شهری، استفاده از وزیران معروفی مانند بزرگهمر و برزویه که به خردمندی معروف بودند. بعضی از این اقدامات منجر به خدمات مثبت و ماندگاری برای زبان فارسی شد. بعلاوه، می دانیم که نهادهای مختلفی برای

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

تقویت و ارتقاء بخشی زبان فارسی در دوره ساسانی نقش آفریدند، اما در واقع هیچ کدام تقریباً خارج از اراده دولت ساسانی کاری برای زبان فارسی انجام ندادند. در نتیجه، باید دید دولت ساسانی چه اقداماتی برای زبان فارسی انجام داد. بعضی از این اقدامات در اینجا مطرح می‌گردد:

## ۱-۲-الف- رسمی اعلام کردن زبان فارسی

دولت ساسانی زبان فارسی را زبان رسمی امپراتوری اعلام کرد. با رسمی شدن، فارسی توانست زبان اداری و ارتباطی هم بشود. به گفته زوندرمان، در زمان ساسانیان، یعنی از سده سوم تا هفتم میلادی، زبان فارسی میانه، زبان اداری و ارتباطی شاهنشاهی ایران بوده است (۱۳۸۳ : ۲۲۳). این فرصت خود به تقویت، اعتبار بخشی و معیارسازی زبان فارسی هم کمک کرد. زوندرمان عقیده دارد که با رسمی اعلام شدن فارسی میانه در پادشاهی ساسانی، دو گونه متمایز از بطن آن ظهور یافت. یکی فارسی میانه مانوی که فارسی میانه را تقریباً با همان اصالت اولیه که در استان پارس رایج بود، به کار می‌گرفت و دیگری فارسی میانه کتابی که به عنوان زبان رسمی شاهنشاهی ساسانی و زبان تحصیلی موبدان و درباریان استفاده می‌شد. زبان فارسی میانه کتابی تأثیرات بلندمدت زبان رسمی کهن‌تر، یعنی پارتی، را از سر گذرانیده بود و به زبان رسمی‌ای بدل شده بود که ویژگی خاستگاه جنوب غربی را نیز از دست داده بود. البته زبانهای ایرانی شمال غربی هم به شدت بر این گونه از فارسی تأثیر گذاشته بودند (همان : ۲۲۴).

چنین بود که در پادشاهی ساسانی یک بار دیگر زبان فارسی این توفیق را یافت که از پشتیبانی یک دولت قدرتمند برخوردار شود. در این دوره، زبان فارسی چنان قوی شد که حتی کم‌کم حوزه نفوذ آن به مرزهای دورتر از پارس کشیده شد و قدرت غلبه‌کنندگی بر بسیاری از زبانهای دیگر را به دست آورد. برای نمونه، در مرزهای شرقی، فارسی بر زبان پارتی غلبه کرد. ناتل خانلری در خصوص اینکه چگونه پارتی زبان رسمی شد و چگونه مغلوب زبان فارسی میانه گردید، چنین می‌گوید: "از زبانهای ایرانی میانه، شاید از اواسط عهد اشکانی، زبان پهلوانیک (= پارتی) رسمیت یافت، تا آنجا که نخستین شاهان ساسانی، یعنی فرمانروایانی که از جنوب غربی ایران برخاسته بودند، آن زبان را نیز در سنگنوشته‌های یادگار به موازات گویش جاری خود به کار بردند. سپس گویش جنوب غربی که زبان فرمانروایان ساسانی بود، و آن را پارسیک می‌خوانیم، زبان دولتی و اداری شد و در طی بیش از چهار قرن که خاندان ساسانی بر سرزمین پهناور ایران فرمان می‌راندند کم‌کم بر گویش‌های دیگر ایرانی، چه در مغرب و چه در مشرق غلبه کرد" (۱۳۶۶: ۲۷۲). یکی از زبانهایی که فارسی میانه آن را مغلوب کرد، پهلوانیک (= پارتی) بود. در باره تأثیر فارسی میانه بر پارتی و جانشینی آن موارد زیر قابل توجه است: وقتی که زبان پارتی پشتیبانی دولتی خود در دوره ساسانی از دست داد، کم‌کم ضعیف شد و زیر نفوذ زبان پهلوی ساسانی از میان رفت (حسن دوست، ۱۳۸۹، چهارده).

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

زبان پهلوی اشکانی ظاهراً در اوایل دوره اسلامی از میان رفت و جای خود را به فارسی داد (ابوالقاسمی، ۱۳۸۴: ۱۳۱).

در کنار رسمی و معیار بودن زبان فارسی میانه، این زبان نیز توفیق یافت که به عنوان «زبان میانجی» در امپراتوری ساسانی کاربرد داشته باشد. مزداپور دو ویژگی زبان میانجی بودن و رسمیت یافتن فارسی میانه در دوره ساسانی را از خصایص ممتاز این زبان در این دوره می‌داند (۱۳۹۳: ۳۸). بعضی شواهد حاکی از آن است که پادشاهان ساسانی در جلسات رسمی به زبان فارسی میانه سخن می‌گفته‌اند. برای نمونه، علی سامی از قول عبدالله بن مقفع روایت می‌کند که پادشاهان ساسانی در مجالس رسمی به زبان پهلوی (= فارسی میانه)، و در مواقع عادی به زبان خوزی گفتگو می‌کردند. زبان درباریان دری بود و موبدان به زبان فارسی میانه صحبت می‌کردند. بنابراین زبان‌های پارسی، دری و خوزی هر کدام در حکومت ساسانی و بین مردم مقام و موقعیتی داشته‌اند (۱۳۹۳: ۹۱).

## ۱-۲-ب- مستندسازی زبان فارسی

اقدامات نگارشی دولت ساسانی به زبان فارسی باعث شد که مستندات فراوانی از کتیبه، کتاب، سکه، و ترجمه متون از زبانهای دیگر به این زبان با دستور مستقیم و غیرمستقیم شاهان، صاحب‌منصبان و دست‌اندرکاران این دولت فراهم آید. در این خصوص می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

کتیبه‌ها: یکی از خدمات دولت ساسانی به زبان فارسی، نوشتن کتیبه توسط شاهان و بزرگان به این زبان بوده است. در مورد تاریخ و تعلق و زبان بعضی از کتیبه‌های فارسی میانه، زوندرمان چنین می‌گوید: "سنگ‌نوشته‌های فارسی میانه از سده سوم تا یازدهم میلادی برجای مانده است. بزرگترین و مهم‌ترین آنها مربوط به نیمه دوم سده سوم میلادی است. بیشتر اینها سنگ‌نوشته‌های پادشاهی است، گاه با ترجمه پارتی و یونانی. مهم‌ترین آنها سنگ‌نوشته شاپور اول (بر کعبه زردشت) و نرسه (در پایکولی) است. سنگ‌نوشته‌های خصوصی، از جمله متعلق به فرمانداران و مأموران دولت (برای مثال سنگ‌نوشته‌های موبد کردیر) تک‌زبانانه‌اند" (۱۳۸۳: ۲۲۶). از نظر جغرافیایی کتیبه‌های فارسی میانه که مربوط به شاهان ساسانی است در مناطق زیر دیده می‌شوند: پایکولی، نقش رستم، سرمشهد، نقش رجب، تخت جمشید، کازرون، حاجی‌آباد، تنکاب فیروزآباد، طاق بستان، تنگ براقی و چند جای دیگر (سامی، ۱۳۹۳: ۲۵). رضایی باغبیدی نوع زبان بعضی از کتیبه‌ها را چنین یادآور می‌شود: "کتیبه‌های به جامانده از نخستین شاهان ساسانی غالباً سه زبانه یا دوزبانانه‌اند و علاوه بر متن اصلی به فارسی میانه، ترجمه پارتی و یونانی، یا فقط ترجمه پارتی دارند" (۱۳۸۸: ۱۳۶). یکی از راههای توجه حاکمان ساسانی به زبان فارسی از طریق ضرب سکه‌ها به زبان

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

فارسی میانه بود. در این خصوص، زوندرومان می‌گوید: "اوج سکه‌نگاری به فارسی میانه مربوط به دوران ساسانی است (سده‌های سوم تا هفتم میلادی)" (۱۳۸۳ : ۲۲۷). ۳

کتابها: در کنار کتیبه‌ها، آثار کتابی چشمگیری هم در دوره ساسانی نوشته و یا به صورت ترجمه به فارسی میانه فراهم آمده است. بخش بزرگی از توجه به زبان فارسی و متون قابل توجه فارسی میانه بازمانده همین دوره است. زوندرومان یادآور می‌شود که کهن‌ترین متون کتابی (ترجمه‌های فارسی میانه اوستا، متون دینی - آموزشی، دنیوی - تفریحی) بی‌تردید در اواخر دوره ساسانی (سده‌های ششم و هفتم میلادی) به نگارش درآمده‌اند (۱۳۸۳ : ۲۲۶-۲۲۷).

علی سامی از قول ابن ندیم می‌نویسد: "اردشیر برای جمع آوری کتابهای پراکنده شده ایران و قسمت هایی از اوستا که به دیگر کشورها رفته و ترجمه شده بودند، سعی وافی مبذول داشت. وی برای این منظور دانشمندی را به هند و روم و دیگر ممالک فرستاد تا آنچه را که ممکن است، گرد آورند و تدوین نمایند. بعد از او جانشین لایقش شاپور این کار را دنبال نمود و دستور داد تا آن کتابها را به پهلوی ترجمه و در دسترس دانشمندان قرار دهند" (۱۳۹۳ : ۱۰۱). شاهان ساسانی نیز دستور دادند که شرح زندگی و کارهای آنها در کتابهایی تحت نام «کارنامه» به زبان فارسی میانه نوشته شود، از جمله کارنامه اردشیر بابکان و خسرو انوشیروان. "انوشیروان دستور داد سرگذشت زمان خود را به شکل کتابی به نام «کارنامه، کارنامه، کارنامه» مانند کارنامه نیای بزرگش اردشیر تدوین کنند. این کتاب حاوی شرح اتفاقات و سرگذشت زمان خودش و پند و اندرز و سیاست و مملکت داری بود" (همان : ۱۱۳). عمارتی مانند کعبه زردشت (بن خانگ) جای نگهداری منابع دینی و حکومتی بود و کار تفسیر و خواندن و نوشتن و دبیری را روحانیان زردشتی انجام می‌دادند. کار این روحانیان و صاحب‌منصبان دولت ساسانی برای گسترش زبان فارسی در ایالات تابعه ساسانی بسیار بااهمیت بود. در ساختار حکومت یک مؤبد مؤبدان وجود داشت و همراه با نیروهای دولتی، همواره یک نماینده مذهبی هم در ایالات حضور داشت.

در خصوص هدف و انگیزه ساسانیان برای نگارش و ترجمه به زبان فارسی میانه، خصوصاً توسط روحانیان، نیولی می‌گوید: "در عصر ساسانیان، با گزینش و ممیزی و تدوین دقیق اصول «راست‌کیشی/ به دینی»، مجموعه‌ای از متون مذهبی به نگارش درآمد که آثار آن نه تنها در نوشته‌های پهلوی بلکه همچنین در کتیبه‌های ساسانی به جا مانده است. در این کار، مؤبدان ذی‌نفوذ و احیاناً صاحب‌عناوین سیاسی مشارکت داشتند. در زمره این شخصیت‌ها یند : تنسر/توسر در پادشاهی اردشیر اول (۲۲-۲۴۰ میلادی)، کرتیر در دوران پادشاهی شاپور اول (۲۴۰-۲۷۲) تا بهرام دوم (۲۷۶-۲۹۳)، آذرباد مارسپندان، مؤبد مقتدر زمان پادشاهی شاپور دوم (۳۱۰-۳۷۹). متن مکتوب اوستای

۳- برای فهرست کتیبه‌های مهم شاهان و رجال ساسانی، نگاه کنید به: (رضایی باغ‌بیدی، ۱۳۸۸ : ۱۴۷-۱۳۶).

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

عصر ساسانی نیز در همین دوره پدید آمد که احتمالاً تلفیقی است از روایت شیز و روایت استخر. تدوین کتاب مقدس رسمی به ضرورت تثبیت مذهب رسمی انجام گرفت، و قصد از آن مقابله با کتابهای دین‌ها و آموزه‌های حریف و رقیب، یعنی آثار مانی و انجیل و تورات بود. افسانه اوستای مکتوب، که زمان آن به آغاز شاهنشاهی ایران باز می‌گشت و بی‌گمان ساخته و پرداخته همین دوره بود، مسلماً ناظر بود به شأن و شرف بخشیدن به مجموعه متون رسمی احیا شده. با افسانه نابود شدن و پراکنده شدن نسخه‌های کهن اوستا به دست اسکندر گجسته، نیل به دو مقصود میسر می‌شد: یکی توجیه کار گردآوری و انتخاب، دیگری نشان دادن رابطه میان دین بهی و سلطنت و شاهنشاهی ایران به نحو مطلوب" (نیولی، ۱۴۰۰: ۹۹-۱۰۰).

سهم کتابهایی که در دوره ساسانی و تا چند قرن پس از اسلام به زبان فارسی میانه نوشته شد، برای تقویت و اعتباربخشی زبان فارسی چشمگیر است. برای آشنایی بیشتر با ادبیات فارسی میانه، نگاه کنید به: (آموزگار و تفضلی، ۱۴۰۱: ۱۹-۴۴).

ترجمه‌ها: در کنار کتیبه‌ها و کتابها، آثار ترجمه‌شده زیادی که نشان خدمات دولت ساسانی مبنی بر مستندسازی زبان فارسی هستند، در دست است. رضایی باغبیدی موردی را در خصوص ترجمه آثاری از زبان فارسی میانه به زبانهای دیگر ذکر می‌کند: زمانی که سپاهیان خسرو پرویز (شاهنشاهی: ۶۲۸-۵۹۵ م.) مصر را در تصرف خود داشتند، آنچه در آن سرزمین به فارسی میانه بر پاپیروس نوشته می‌شد، گاه به قبطی یا یونانی ترجمه می‌شد (۱۳۸۸، ۱۳۶). در دوره ساسانی، آثار فراوانی در مقولات مختلف به زبان فارسی میانه نوشته و ترجمه شد. از آن جمله است: کتیبه‌های شاهان و رجال ساسانی، کتابهای دینی زردشتی و غیرزردشتی مانند مانوی و مسیحی، نوشته‌های غیردینی، زند و پانندهای اوستایی، ترجمه آثار علمی و فلسفی از زبانهایی مانند هندی، یونانی، بابلی، چینی، پارتی. در اثر همین ترجمه‌ها بود که براون می‌گوید: "ثروت فرهنگی به دربار خسرو اول (= خسرو انوشیروان) سرازیر شد. برزویه طبیب به هند مسافرت کرد و ترجمه‌های افسانه‌های هندی و آثار هندی در باره رویان‌شناسی را به ایران آورد. مسیحیان سوری، که در این دربار روادار احساس آرامش می‌کردند، آثار پزشکی یونانی جالینوس را ترجمه کردند و در باره منطق یونانی کتابهای درسی نوشتند. جای تعجب نیست اگر فیلسوفان گذشته آتن، که حکومت مسیحی روم شرقی آنها را کافر خواند و مورد آزار و اذیت قرار داد، در سال ۵۲۹ میلادی مدتی را در دربار خسرو اول سپری کرده باشند (۱۳۹۲: ۲۸). نقش آثار ترجمه شده در دوره ساسانی از زبانهای دیگر به فارسی میانه و بالعکس به اندازه‌ای پُررنگ است که از نهضتی به نام «نهضت ترجمه» در این دوره یاد می‌شود. برای بحث «نهضت ترجمه» در دوره

<sup>۴</sup> - مثلاً مانی کتاب شاپورگان را به زبان فارسی میانه نوشت و آن را به شاپور اول در روز تاجگذاری اش تقدیم کرد. ضمناً آثار نسبتاً فراوانی از شرح حال دینداران مانوی و آموزه‌های آنها به زبان فارسی میانه از واحه ترکستان چین در اوایل قرن بیستم میلادی به دست آمده است.

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

ساسانی، نگاه کنید به: (محمودزهی و بهره‌مند، ۱۳۹۸ : ۱۲۳). در حقیقت، دو نوع از چهار نوع آثار بازمانده فارسی میانه (= فارسی میانه کتیبه‌ای، فارسی میانه زردشتی) کاملاً مرتبط به حکومت ساسانی است. دولت ساسانی در زمینه شناساندن زبان فارسی به دیگران از طریق ترجمه گام‌های بلندی برداشته است.

بنابر مستندات فوق، به نظر می‌آید که اوج توجه به مستندات کتبی به زبان فارسی در زمان خسرو انوشیروان صورت گرفت. در این خصوص نظر تورج دریایی قابل توجه است که می‌گوید: "همه این آرمانها و ایدئولوژی‌ها (= ایرانشهر، شاهنشاهی ایران)، با توجه به افزایش علاقه دربار و جامعه ساسانی به امر نگارش، احتمالاً از زمان سلطنت خسرو یکم ثبت و منتشر می‌شدند. علاقه به ادبیات و نیاز به ضبط گذشته، انگیزه‌هایی در قرن پنجم و ششم برای نوشتن کتب جدید، و همچنین ترجمه از زبانهای دیگر به وجود آورد. اغلب به نقش خسرو اول در پدید آمدن گونه ادبی خدای‌نامه‌ها اشاره شده است که در متون مختلف، داستانهای اسطوره‌ای و تاریخی شاهان ایرانی را ضبط کرده بودند" (۱۳۹۷ : ۱۱۶).

## ۱-۲-ج- ایجاد خطی جدید برای کمک به مستندسازی آثار

یکی از کارهای مهم که ساسانیان برای تقویت، اعتباربخشی و ماندگاری زبان فارسی انجام دادند این بود که یک نظام نگارشی خاص با نام امروزین «خط پهلوی» با استفاده از خطی که ریشه در خط آرامی داشت، اختراع کرده و در سطح وسیعی به کار بردند. آنها استفاده از این نظام نگارشی را رسمی اعلام کردند. مانی هم که در زمان شاپور اول ساسانی و جانشین وی امکان تبلیغ دینش را در ایران یافته بود، با استفاده از الفبای پالمیری، خود یک نظام نگارشی اختراع کرد و بخشی از تعلیمات خود را به زبان فارسی میانه با این نظام نگارشی نوشت. وی هم با این کار به رواج و اهمیت زبان فارسی کمک کرد. زوندمان در باره نظام نگارشی مانوی می‌گوید: "مانی پیامبر با برگردان الفبای آرامی پالمیری میهن خویش به فارسی میانه، خطی را پدید آورد که ویژگی‌های زبانی سده سوم میلادی را بسیار بهتر از خط پهلوی نشان می‌داد، چرا که همه نویسه‌ها را به دقت متمایز می‌کرد و از سنت هزوارشی نیز بهره‌ای نبرده بود. برای شفافیت فارسی میانه و خواندن بسیاری از واژه‌ها، خط مانوی دارای کمال اهمیت است" (۱۳۸۳ : ۲۳۰). مانی برای تبلیغ آموزه‌های دین خود از زبانهای مختلف استفاده کرده است. بخشی از آموزه‌های وی به زبان فارسی میانه بوده است. مانی که در زمان شاپور اول به صحنه آمد و تا زمان بهرام دوم در حوزه ایران فعالیت داشت، از ظرفیت زبان فارسی استفاده کرد و کسی هم از نظر تبلیغ او به خاطر زبان فارسی جلوگیری نکرد. "مانی خود در سده سوم میلادی ادبیات مانوی به فارسی میانه را پایه‌ریزی کرد که قطعاتی از شاپورگان گواه آن

۵- چهار نوع آثار بازمانده عبارتند از: آثار فارسی میانه کتیبه‌ای، فارسی میانه زردشتی، فارسی میانه مسیحی، و فارسی میانه مانوی یا تُرفانی.

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

است. از او و شاگردانش در سده‌های سوم و چهارم میلادی شمار فراوانی آموزه‌های مذهبی، سرودها و مواعظ برجای مانده است" (زوندرمان، ۱۳۸۳ : ۲۲۷).

## ۲-۲- پیامدهای خدمات دولت ساسانی به زبان فارسی

در ابتدای دوره ساسانیان، ایرانیان به فارسی میانه گفت‌وگو می‌کردند و در هر شهر و ولایت، لهجه‌ها و گویش‌های مختلف محلی و منطقه‌ای رایج بود. این لهجه‌ها و گویشها تفاوت زیادی با یکدیگر داشت که حتی باعث می‌شد که مردم نقاط دورتر در فهمیدن سخن یکدیگر دچار مشکل شوند. علت اصلی آن هم این بود که نظام استاندارد (= معیار) زبان کتبی فارسی میانه منسجم نبود و توان خواندن و نوشتن آن هم محدود به قشر بسیار کوچکی از مردم بود که اصولاً عبارت از دو قشر بودند: ۱- دبیران و دهقانان برای نوشتن متون و نامه‌های رسمی، اداری و تجاری و ۲- روحانیون جهت ثبت متون دینی.

یکی از پیامدهای توجه دولت ساسانی به زبان فارسی با تداوم این سلسله آن بود که یک زبان ایرانی توانست به درجه یک «زبان معیار» ترقی یابد. این زبان نه تنها زبان میانگان اقوام ایرانی و بعضی از اقوام غیرایرانی در حوزه امپراتوری ساسانی شد، بلکه زبان اداری و دیوانی هم قرار گرفت. رضایی عقیده دارد که در اثر یک روند طبیعی، فارسی میانه زبان معیار دوره ساسانی قرار گرفت و معیار بودن آن همچنان تا امروز در میان زبانهای ایرانی رایج است (۱۳۸۱ : ۲۴). در باره گستره جغرافیایی زبان فارسی میانه در زمان ساسانیان، کارلو چرتی می‌گوید: در دوره ساسانیان، زبان فارسی میانه که در آن زمان زبان رسمی دولت و روحانیون زردشتی بود، از مرزهای استان پارس فراتر رفت و تا شمال و شمال شرق ایران گسترش یافت. این زبان با گذشت زمان و طی چند سده جانشین بسیاری از زبانها و گویشهای محلی شد، تا آنجا که در هنگام حمله اعراب به ایران، در بخش گسترده‌ای از ایران کنونی، افغانستان و آسیای مرکزی به کار می‌رفت (۱۳۹۵ : سیزده). در باره اهمیت فرهنگی زبان فارسی، سامی می‌گوید: زبان فارسی در عهد ساسانیان زبان ادب و فلسفه، حکمت، پند و اندرز، داستان سرایی و سرود دینی بوده و از شیرینی و شیوایی سرشار بوده است (۱۳۹۳ : ۹۲). یکی از مهمترین جلوه‌های ارزشمندی زبان فارسی در دوره ساسانی را می‌توان رسمیت این زبان در دانشگاه بزرگ جندی‌شاپور دانست.

پیامد دیگر توجه ساسانیان به زبان فارسی این بود که فارسی بتواند شاخ و برگ بزند و از بطن آن چندین گویش و لهجه ظهور کند. یکی از گویشهایی که از بطن فارسی میانه ظهور کرد همان است که بعد از اسلام به نام «فارسی دری / فارسی نو» رواج یافت. در واقع نطفه این زبان در زمان ساسانیان بسته شده بود و بعد از اسلام به عنوان زبان مردم فارسی زبان در کنار فارسی میانه رواج داشت. فارسی دری تا قرون سوم و چهارم هجری به طور کامل جای

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

فارسی میانه را پُر کرد و فارسی میانه از رواج افتاد. زمانی که شاعرانی مانند شهید بلخی، رودکی، کسایی مروزی، دقیقی طوسی و فردوسی آغاز به سرودن شعر به این زبان کردند، فارسی دری به زبانی پخته و معتبر تبدیل شده بود. سمعی گیلانی در همین مورد می‌گوید: پیدایش شعر فارسی و پختگی به ظاهر زودرس آن را نباید پدیده‌ای غیرعادی و غریب شمرد. در حقیقت زمینه این رشد و بلوغ در منابع و خاستگاههای آن فراهم آمده بود که حاصل آن در سروده‌های شاعران عصر سامانی تبلور یافت (۱۳۸۷ : ۳۷۳).

به نظر می‌آید فارسی میانه معیار که برای نوشتن متون به کار می‌رفت، بیشتر بر بنیاد لهجه اصطخری بود که خاستگاه خاندان ساسانی بود. این زبان از دیدگاه دستوری و واژگانی با گویشهای محلی نواحی پارس نزدیکی بسیار داشت.

پیامد سوم توجه ساسانیان به زبان فارسی باعث شد که فارسی میانه زبان قدرتمند امپراتوری ساسانی قرار گیرد و بر زبانهای دیگر به صورت مستقیم یا غیر مستقیم تأثیر بگذارد. به گفته زوندرمان، در دوره ۴۳۰ ساله حکومت ساسانی، فارسی میانه تأثیراتی بر زبان‌های ارمنی، گرجی، عربی، یونانی، پارتی، سغدی، و دیگر زبانهای ایرانی میانه، و گویشهای آرامی همسایه در میانرودان و حتی چینی گذاشته است (زوندرمان، ۱۳۸۳ : ۲۲۸).

توجه ساسانیان به زبان فارسی در مستندسازی از طریق کتاب، کتیبه، نامه، سکه، ترجمه، و ... باعث شد که حجم وسیعی از آثار فرهنگی و تمدنی آن زمان پایدار بماند و به عنوان میراث فرهنگی و تمدنی به نسل‌های بعد تا امروز برسد. در کنار تمام دانسته‌های تاریخی و جغرافیایی و پزشکی و فلسفی و ... به زبان فارسی میانه که از دوره ساسانیان اکنون در اختیار ماست، آگاهی از دانش زبانی فارسی میانه خود کمک بزرگی به مطالعات تاریخی زبان فارسی و دیگر زبانهای ایرانی خواهد کرد. زیرا زبان فارسی میانه حلقه رابط بین زبان فارسی باستان و فارسی دری است و این حلقه برای مطالعات تاریخی زبان فارسی نقش بسیار مؤثری دارد.

با ملی، رسمی و معیار شدن زبان فارسی در دوره ساسانی، این زبان توانست یکی از عوامل وحدت بخش ایرانیان از همان زمان تا اکنون باشد. با اینکه بعد از اسلام دو زبان عربی و ترکی با فارسی در معارضه سخت قرار گرفتند، اما پایه زبان فارسی با وجود مستندات مکتوبی که در دوره ساسانی از آن برجای مانده بود، چنان استوار شده بود که همچنان در روح ایرانیان رسوخ کرده بود و بخشی از هستی آنها شده بود. اعتباریابی و گسترش زبان فارسی در دوره ساسانی باعث شد که پس از آن این زبان به عنوان معتبرترین زبانی ایرانی ماهیت خود را حفظ کند. چنانکه از فروپاشی حکومت ساسانی تا امروز فارسی در رویارویی مستقیم با زبانهای مهمی مانند عربی، ترکی، هندی، و زبانهای اروپایی قرار گرفته، اما همچنان اعتبار خود را به عنوان یک زبان ایرانی مهم حفظ کرده است. محبوب

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

می‌گوید: اثر این وابستگی به زبان فارسی و مستندات آن هنوز در روح ایرانیان پایدار است (۱۳۹۸: ۹). وی زبان فارسی دَری را که خود بازماندهٔ فارسی میانه است مظهر ایستادگی فرهنگی ایرانیان معرفی کرده است.

## ۳. نتیجه

نتایج نشان می‌دهد که دولت قدرتمند ساسانی در دورهٔ حکومت طولانی خود بر اساس «آرمان ایرانشهری» توجه خاصی به زبان فارسی داشت، چنانکه این زبان در سایهٔ پشتیبانی دولت ساسانی فرصت یافت تا در میان زبانهای ایرانی و غیرایرانی رایج در قلمرو ساسانی، زبان ملی، رسمی و معیار قرار گیرد. این نگاه ویژه باعث شد که زبان فارسی بعد از ضعفی که در دوران سلوکی و اشکانی به آن دچار شده بود، رهایی یافته و قدرتمند شود. در سایهٔ این قدرتمندی، آثار ماندگاری به عنوان مستندات فرهنگی و تمدنی در دورهٔ ساسانی و پس از آن به زبان فارسی به ظهور رسید.

در دورهٔ ساسانی و پس از آن، از نظر اعتبار و غلبه‌گری، هیچ زبان ایرانی دیگر به اندازهٔ فارسی اعتبار نیافته و بر زبانهای دیگر غلبه نکرده است. شاید به نحوی بتوان گفت تمام عوامل را که باعث اعتبار یک زبان می‌شود دولت ساسانی برای فارسی به صورت یکجا فراهم کرد. برای مثال، آنجا که حاکمان ساسانی فارسی را زبان رسمی خود اعلام کردند و با استفاده از خط پهلوی با آن کتیبه و کتاب و سکه نوشتند؛ آنجا که روحانیان زردشتی با پشتیبانی حاکمان، کتاب مقدس اوستا را به فارسی میانه ترجمه و تفسیر کردند؛ آنجا که انبوهی از کتابهای دینی و غیر دینی به زبان فارسی میانه نوشته و یا ترجمه شد؛ آنجا که زبان اصلی دانشگاه جندی‌شاپور فارسی بود؛ و آنجا که فارسی زبان میانجی بسیاری از اقوام ایرانی و غیرایرانی شد.

با توجه به کارهای مثبت و منفی که دولت دیرپای ساسانی در تاریخ ایران انجام داده است، یکی از آنها توجه ویژهٔ دولت ساسانی به زبان فارسی بوده است. در خصوص زبان فارسی و تقویت، اعتباربخشی و ماندگاری آن، می‌توان گفت کارنامهٔ دولت ساسانی کارنامه‌ای قابل قبول بوده و توجه به زبان فارسی از خدمات فرهنگی-تمدنی دولت ساسانی به حساب می‌آید.

عوامل مؤثر بر اعتباریابی زبان فارسی میانه را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد: الف- حکومتی (دولت ساسانی) با رسمی اعلام کردن زبان فارسی در قلمرو خود، ب- مذهبی (مؤبدان با ترجمه‌ها و تفسیرهای اوستا و ادبیات دینی زردشتی)، ج- فرهنگی (نوشتن کتابهای دینی و غیردینی و نهضت ترجمه)، د- اجتماعی (استفاده در گفتار مردم)،

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

و روابط اقتصادی. می توان گفت که در همه موارد یادشده نقش دولت ساسانی با رویکرد «آرمان ایرانشهری» پیداست.

## منابع

- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۸۴)، تاریخ زبان فارسی، چاپ ششم، سمت، تهران
- آموزگار، زاله و احمد تفضلی (۱۴۰۱)، *زبان پهلوی - ادبیات و دستور آن*، چاپ دوازدهم، معین، تهران.
- براون، پی. آ. ال. (۱۳۹۲)، «پارتیان و ساسانیان»، در: ایران - تاریخ و میراث، ویراسته جان ای بویل، ترجمه جعفر محسنی، ققنوس، تهران. صص. ۲۳ - ۲۹.
- چرتی، کارلو، ج. (۱۳۹۵)، *ادبیات پهلوی*، ترجمه پ. ثریا، فرزانه روز، تهران.
- حسن دوست، محمد (۱۳۸۹)، *فرهنگ تطبیقی - موضوعی زبان ها و گویش های ایرانی نو*، نشر آثار، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران.
- دریایی، تورج (۱۳۹۷)، *جهان ساسانی (مقالاتی در باره تاریخ ایرانشهر)*، ترجمه مهناز بابایی، فروهر، تهران.
- رضا، عنایت الله، «اعتقادات دینی خسرو پرویز»، ایران شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دوره جدید، سال ۱۴، صص. ۷۶۱-۷۷۸).
- رضایی باغبیدی، حسن (۱۳۸۸)، *تاریخ زبانهای ایرانی*، چاپ دوم، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی (مرکز پژوهشهای ایرانی و اسلامی)، تهران.
- رضایی، والی (۱۳۸۳)، «زبان معیار چیست و چه ویژگی هایی دارد؟»، نامه فرهنگستان، ۶ (۳): صص. ۲۰-۳۵.
- زوندرومان، ورنر (۱۳۸۳)، «فارسی میانه»، در: *راهنمای زبان های ایرانی*، جلد اول، ویراستار رودیگر اشمیت، ترجمه آرمان بختیاری و همکاران - ققنوس، تهران، صص. ۲۲۳ - ۲۶۰).
- سامی، علی (۱۳۹۳)، *تمدن ساسانی*، چاپ سوم، سمت، تهران.
- سمیعی گیلانی، احمد (۱۳۸۷)، «خاستگاه شعر عروضی فارسی»، نخستین مجموعه سخنرانی های مشترک فرهنگستان زبان و ادب فارسی و بنیاد ایران شناسی، فرهنگستان، تهران، صص. ۳۷۳-۳۸۷.

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

محبوب، م. (۱۳۹۸)، *سی قصه از شاهنامه (آفرین فردوسی)*، مروارید، تهران.

محمودزهی، موسی (۱۴۰۱)، «اعتبار تاریخی زبان فارسی»، زبان فارسی و گویشهای ایرانی، سال ۷، دوره ۱، پیاپی ۱۳، صص. ۷-۳۳.

محمودزهی، موسی و علیرضا بهره‌مند (۱۳۹۸)، «اهمیت ترجمه در مستندات زبان‌های ایرانی باستان»، زبان شناخت، ۱۰ (۱) : صص. ۱۰۷-۱۲۶.

مزدایور، کتایون (۱۳۹۳)، *واژه و معنای آن از فارسی میانه تا فارسی*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.

ناتل خانلری، پرویز (۱۳۶۶)، *تاریخ زبان فارسی*، نشر نو، تهران.

نیولی، گاردو (۱۴۰۰)، *از زردشت تا مانی*، ترجمه آرزو رسولی (طالقانی)، نشر ماهی، تهران.

Pearce, Michael. 2007. *The Routledge Dictionary of English Language Studies*, Abingdon: Taylor & Francis Group.